

قانون‌گزیزی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت روبه‌ای)

علی‌اصغر فیروزجاییان*

مقدمه: این مقاله به بررسی قانون‌گزیزی از منظر نظریه عدالت روبه‌ای و با تأکید بر نظریه تام تیلر می‌پردازد. قانون‌گزیزی رفتاری است که هنگامی رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. در این تحقیق تقسیم‌بندی‌ای جدید از قانون‌گزیزی ارائه شده است و بین قانون‌گزیزی سخت و نرم تمایز داده شد. قانون‌گزیزی نرم موضوع بررسی این تحقیق می‌باشد. به هر نوع رفتاری که قوانین رسمی جامعه را نادیده گرفته و دارای ویژگی غیرخشونت آمیز، گاه‌گاهی و عمدتاً بدون مجازات یا مجازات ضعیف باشد قانون‌گزیزی نرم گفته می‌شود. هدف این تحقیق بررسی نسبت بین عدم عدالت روبه‌ای، عدم مشروعیت سیاسی، عدم اعتماد مدنی و قانون‌گزیزی است.

روش: این تحقیق از نوع توصیفی - همبستگی می‌باشد که به روش پیمایش انجام گرفته است. جامعه آماری تحقیق شهروندان بالای ۲۴ سال شهر تهران و داده‌ها از بین ۴۰۰ نفر از آن‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردید. نمونه‌ها از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند.

یافته‌ها: بر اساس این تحقیق وقتی افراد روبه‌های اجرای قانون را منصفانه و عادلانه ندانند، قانون‌گرایی آنان کاهش می‌یابد و این در حالی است که فقدان عدالت روبه‌ای در اجرای قانون موجب بی‌اعتمادی و عدم مشروعیت مجریان قانون نزد مردم شده که این خود موجب قانون‌گزیزی افراد در جامعه می‌شود. این سه متغیر (عدم عدالت روبه‌ای، بی‌اعتمادی مدنی، عدم مشروعیت) با هم ۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را مورد تبیین قرار می‌دهند.

بحث: وقتی روبه‌های اعمال قانون منصفانه نباشد، رفتار بعدی افراد در قبال قانون به مانند قبل نخواهد بود. در حقیقت عدم عدالت روبه‌ای و اجرای تبعیض آمیز قانون، نگرش مردم را نسبت به مجریان قانون تغییر خواهد داد. وضعیت تبعیض آمیز اعمال قانون توسط مجریان به تدریج اعتماد مردم نسبت به آن‌ها را کم کرده و در نهایت صلاحیت آنان را از طرف مردم زیر سؤال می‌برد. تأثیر متقابل این متغیرها موجب قانون‌گزیزی افراد در جامعه می‌شود. در حقیقت در این وضعیت، مردم قانون‌گزیزی را به اطاعت از قانون ترجیح می‌دهند.

کلید واژه‌ها: عدم عدالت روبه‌ای، عدم اعتماد مدنی، عدم مشروعیت سیاسی،

قانون‌گزیزی، قانون‌گزیزی سخت، قانون‌گزیزی نرم.

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۸۹/۴/۱۸

* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه مازندران <Firozjayan @ gmail.com>

مقدمه

اساس نظم اجتماعی در هر جامعه‌ای مجموعه‌ای از هنجارهای رسمی و غیر رسمی است که افراد در زندگی روزمره آن‌ها را رعایت می‌کنند. جامعه با توجه به اهمیت این هنجارها ضمانت‌های اجرایی متفاوتی (به لحاظ شدت) برقرار می‌کند. جامعه زمانی به «بی‌نظمی اجتماعی» دچار می‌شود که با نقض مداوم هنجارهای اجتماعی توسط افراد به تدریج ارزش‌های اساسی جامعه زیر سؤال رود. در این زمان هر چند جامعه به ظاهر از انسجام برخوردار است اما این وضعیت با هزینه‌های (جانی، مالی، فرهنگی اجتماعی) بالایی همراه است.

جامعه امروز ایران در حوزه اجتماعی با آشفتگی و گسیختگی اجتماعی مواجه است (جلایی پور، ۱۳۸۵؛ رفیع پور، ۱۳۷۸). «قانون‌گریزی» می‌تواند هم دلیل و هم گواه بر این آشفتگی اجتماعی در جامعه باشد. آنچه که مسلم است این که تمایل به قانون‌گریزی و یا حتی قانون‌گریزی در ایران وجود دارد. تحقیقات مختلفی که در همین زمینه انجام شده است درستی این مطلب را نشان می‌دهد (نظر سنجی‌های صدا و سیما، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴ الف، ۱۳۷۴ ب، ۱۳۷۷). در تحقیقی که درباره نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران امروز انجام شده است به مواردی چون عدم تبعیت و اعتبار قانون در نزد مردم و وجود پارتی بازی اشاره شده است (محسنی، ۱۳۷۵). همچنین در طرح دیگری که سال ۱۳۸۱ در سطح کشور انجام پذیرفت نتایج مهمی به دست آمد که برخی از آن‌ها به قرار زیر است: ۱۸/۸ درصد از پاسخ‌گویان معتقدند که از هر قانونی باید اطاعت کرد حتی اگر نامناسب باشد. ۸۱/۲ درصد از پاسخ‌گویان معتقدند از قانونی که نامناسب است، نباید اطاعت کرد. ۸۸/۱ درصد از افراد معتقدند که میزان پارتی بازی در کشور زیاد است. ۶۲ درصد مردم رواج تبعیض را در جامعه زیاد ارزیابی کرده‌اند. ۶۹/۴ درصد رواج دزدی را در جامعه زیاد دانسته‌اند (طرح ارزش‌ها و نگرش‌ها، ۱۳۸۱). بر اساس یافته‌های نظرسنجی که در زمینه

قانون در بین شهروندان تهرانی انجام شده است، اکثر افراد جامعه در عمل قوانین را رعایت نمی‌کنند و طولانی بودن تشریفات اداری و قضایی، عدم احساس مسئولیت، عدم آشنایی با قانون، عدم ثبات قوانین، اعتقاد به بی‌فایده بودن قوانین و نادرست دانستن قوانین به ترتیب از نظر اکثر پاسخ‌گویان به عنوان دلایل عدم رعایت قانون توسط شهروندان ذکر شده است (ایسپا، ۱۳۸۱). در تحقیق دیگری که در سال ۱۳۸۴ در چند شهر کشور به همین منظور انجام شده است نتایج زیر به دست آمد:

بر اساس یافته‌های پژوهش، اکثر پاسخگویان (۴۴/۶) میزان آگاهی مردم نسبت به قوانین را در حد متوسط و ۴۳ درصد در حد کم می‌دانند. میزان ثبات قوانین کشور از نظر پاسخ‌گویان در حد متوسط (۴۹/۶) یا کم (۴۱/۳ درصد) بوده است که اکثر آن‌ها تأثیرات شرایط و اوضاع اجتماعی، غیر کارشناس بودن قانون‌گذاران و تأثیر دخالت گرایش‌های جناحی و سیاسی را از مهم‌ترین عوامل این بی‌ثباتی می‌دانند. در خصوص اجرای قانون، اکثر افراد (۶۸/۹) بر این باورند که قوانین در کشور ما در خصوص همه اقشار جامعه به شیوه یکسان اعمال و اجرا نمی‌شود و اکثر پاسخ‌گویان (۸۵/۴ درصد) میزان رواج پارتی‌بازی و رشوه خواری در بین مجریان قانون را زیاد دانسته‌اند. از لحاظ میزان اعتماد به نهادهای متولی اجراء و نظارت بر قوانین کشور، میزان اعتماد به این نهادها به ترتیب عبارتست از: اعتماد به نیروی انتظامی (۴۴/۱ درصد)، قضات دادگاه‌ها (۳۲/۴ درصد)، مدیران دستگاه‌های دولتی (۱۶/۲ درصد)، نمایندگان مجلس (۲۳/۸ درصد) و نهادهای رسمی ناظر (۲۷/۶ درصد) (ایسپا، ۱۳۸۴). همه این موارد نشانه نوعی آشفتگی و نابسامانی اجتماعی است که برای دوام و توسعه جامعه خطرناک است.

در حقیقت می‌توان گفت که دلایل متعددی برای سبب‌شناسی قانون‌گزینی در جامعه وجود دارند. اما در این تحقیق با تأکید بر نوع خاصی از قانون‌گزینی (قانون‌گزینی نرم) بر مفهوم عدالت رویه‌ای تأکید می‌شود. همان‌گونه که آمد درصد بالایی (۶۸ درصد) از مردم معتقدند که قانون در کشور برای همه مردم به یک شکل اجراء نمی‌شود. این بدان معنی

است که رویه‌های اعمال قانون منصفانه و عادلانه نیست. وقتی مجریان قانون در اجرای قانون بین افراد تبعیض قائل شوند، در این صورت مردم رویه‌های اعمال قانون را عادلانه نمی‌دانند. در این شرایط مردم نسبت به مجریان قانون بی‌اعتماد خواهند شد. همان‌گونه که در بالا هم آمد اعتماد مردم نسبت به برخی از مجریان قانون زیر نصف و حتی بسیار کم‌تر از آن است. این وضعیت موجب خواهد شد تا کم‌کم صلاحیت این مجریان در نزد مردم کاهش یابد. طبعاً وقتی در یک جامعه مردم مجریان قانون را عادل ندانند، نسبت به آن‌ها بی‌اعتماد باشند و صلاحیت آن‌ها را زیر سؤال ببرند پیروی از مجریان و قانون نمی‌تواند محلی از اعراب داشته باشد. از این رو افراد تحت تأثیر این شرایط، عدم اطاعت از قانون را به اطاعت از آن ترجیح خواهند داد. بر این اساس در این تحقیق تلاش می‌شود با تأکید بر نظریه عدالت رویه‌ای، به طور مشخص نظریه تام تیلر، مسئله قانون‌گریزی مورد بررسی قرار گیرد.

چارچوب مفهومی

تعریف قانون

در فرهنگ معین «قانون»^۱ چنین تعریف شده است: قانون قاعده‌ای است که مقامات صلاحیت دار (قوه مقننه) وضع و ابلاغ کنند و آن مبتنی بر طبیعت عالم تمدن و متناسب با مصلحت مردم است و همه افراد مملکت باید از آن تبعیت کنند (فرهنگ معین، ۲۶-۲۷).

قوانین هنجارهایی هستند که توسط حکومت‌ها به عنوان اصولی که شهروندانشان می‌بایست از آن‌ها پیروی کنند تعریف شده‌اند و علیه کسانی که از قوانین پیروی نمی‌کنند از ضمانت‌های اجرایی رسمی استفاده می‌شود. هر جا که قانون وجود دارد جرم نیز وجود دارد. زیرا ساده‌ترین تعریف جرم عبارت است از هر شیوه رفتاری که قانون را نقض می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۳۳).

1- law

در تعریفی دیگر قانون اظهار رسمی نظام ارزشی قدرت اجتماعی مسلط است، بحث مرکزی قانون درباره آن چه که هست نیست بلکه درباره آن چه که باید باشد است (Schafer, 1969). بر این اساس آن چه که باید مدنظر قرار گیرد این است که منظور از قوانین در مطالعات علمی همان قوانین رسمی جامعه است که توسط نهادهای رسمی وضع شده و برای تخطی از آن‌ها مجازات رسمی در نظر گرفته شده است.

تعریف قانون‌گزیزی

قانون‌گزیزی رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می‌گیرد و قانون‌گیز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. با توجه به این که همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند و کسانی هم هستند که دائماً قوانین را نادیده می‌گیرند، بنابراین قانون‌گزیزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گزیزی دائمی، خشن و شدید (مثل سرقت، قتل و ...) تا قانون‌گزیزی گاه‌گاهی، غیر خشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و ...) را دربر می‌گیرد. آن چه که مسلم است این که افراد کم‌تری در هر جامعه مرتکب قانون‌گزیزی از نوع اول می‌شوند در حالی که همه افراد جامعه به نوعی مرتکب قانون‌گزیزی از نوع دوم می‌شوند. بر این اساس قانون‌گزیزی را بر اساس ویژگی‌ها و شدت آن می‌توان به دو نوع متفاوت سخت و نرم تقسیم کرد:^۱

قانون‌گزیزی سخت^۲

به هر نوع رفتاری که قوانین رسمی جامعه را نادیده گرفته و دارای ویژگی خشونت آمیز، دائمی و همراه با مجازات شدید باشد، قانون‌گزیزی سخت گفته می‌شود. در بیش‌تر مواقع

۱- این تقسیم‌بندی توسط محقق صورت گرفته است.

2- hard law- evasion

در اثر این نوع قانون‌گریزی فرد خاصی آسیب می‌بیند. این نوع قانون‌گریزی در جامعه به عنوان جرم شناخته می‌شود و به افرادی که این نوع قانون‌گریزی از آن‌ها سر می‌زند مجرم می‌گویند. سرقت، قتل و قاچاق مواد مخدر نمونه‌هایی از این نوع قانون‌گریزی هستند.

قانون‌گریزی نرم^۱

به هر نوع رفتاری که قوانین رسمی جامعه را نادیده گرفته و دارای ویژگی غیرخشونت‌آمیز، گاه‌گاه و عمدتاً بدون مجازات یا مجازات ضعیف باشد قانون‌گریزی نرم گفته می‌شود. در نتیجه این نوع قانون‌گریزی عمدتاً جامعه آسیب می‌بیند. در جامعه این نوع قانون‌گریزی به عنوان جرم در نظر گرفته نمی‌شود و کم‌تر عکس‌العملی منفی در برابر این نوع قانون‌گريزان دیده می‌شود. این نوع قانون‌گریزی به دلیل فراوانی و سهولت در انجام آن بیش‌تر به صورت عرف در جامعه درآمده است. نادیده گرفتن قوانین رانندگی، ندادن مالیات یا عوارض و استفاده از کپی‌های غیر مجاز نمونه‌هایی از این نوع قانون‌گریزی در جامعه است.

جدول شماره (۱) انواع قانون‌گریزی و ویژگی‌های هر یک از آن‌ها

انواع قانون‌گریزی	قانون‌گریزی سخت	قانون‌گریزی نرم
ویژگی‌ها	<ul style="list-style-type: none"> * بیشتر معطوف به فرد است. * عمدتاً با خشونت همراه است. * فرد به صورت دائمی آن را انجام می‌دهد. * با عکس‌العمل شدید از طرف جامعه همراه است. * با مجازات شدیدی همراه است. * فرد به عنوان مجرم شناخته شده و تحت تعقیب قرار می‌گیرد. 	<ul style="list-style-type: none"> * بیشتر تر معطوف به جامعه است. * بدون خشونت انجام می‌گیرد. * فرد به صورت گاه‌گاهی آن را انجام می‌دهد. * جامعه معمولاً عکس‌العملی نشان نمی‌دهد. * مجازات کم و عمدتاً مالی است. * هیچ‌گونه برجستگی به فرد زده نمی‌شود.

1- soft law-evasion

چارچوب نظری

چارچوب نظری در این تحقیق نظریه عدالت رویه‌ای و اختصاصاً نظریه «تام، آر، تیلر» (Tom R. Tyler) است. تیلر پرفسور روان‌شناسی اجتماعی در دانشگاه نیویورک آمریکاست. حوزه مطالعاتی او پویایی‌های اقتدار در گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع است. به طور مشخص او نقش قضاوت‌ها درباره عدالت یا بی‌عدالتی رویه‌های گروهی را در شکل دهی مشروعیت، اعتماد، اطاعت و همکاری مورد بررسی قرار می‌دهد. او نویسنده چندین کتاب شامل روان‌شناسی اجتماعی عدالت رویه‌ای (۱۹۸۸)، اعتماد به نهادها (۱۹۹۶)، عدالت اجتماعی در جامعه متکثر (۱۹۹۷)، همکاری در گروه‌ها (۲۰۰۰)، اعتماد و حاکمیت قانون (۲۰۰۰)، اعتماد به قانون (۲۰۰۲) چرا مردم از قانون اطاعت می‌کنند (۲۰۰۶) است. همچنین او مقالات متعددی چون ایجاد جامعه قانون‌مند (۲۰۰۰)، اعتماد و اطاعت از قانون (۲۰۰۰)، اعتماد عمومی و اطمینان به مجریان قانون (۲۰۰۱)، عدالت رویه‌ای و دادگاه‌ها (۲۰۰۸)، اعتماد به قانون (۲۰۰۲) مشروعیت و همکاری (۲۰۰۱) را در جهت بررسی نظری و تجربی روابط بین عدالت رویه‌ای، مشروعیت، اعتماد و تأثیر این متغیرها بر اطاعت از قانون یا قانون شکنی نوشته است. او بر سطح تحلیل خرد تأکید داشته و به بررسی تفکرات و احساسات مردم و تأثیر آن بر کنش‌هایشان علاقمند است.

به نظر تیلر نقطه شروع بیش‌تر بحث‌ها درباره قانون، «اطاعت»^۱ است. به دلیل این که هدف ایجاد قوانین و قدرت بخشی به جایگاه‌های قانونی تثبیت و حفظ نظم اجتماعی از طریق تنظیم رفتار عموم است. این موضوع در کتاب «چرا مردم از قانون اطاعت می‌کنند»^۲ او پیگیری می‌شود. این که چگونه می‌توان یک چنین اطاعتی را به بهترین نحو به دست آورد.

از نظر تیلر دو مدل در رابطه با همکاری و پیروی مردم از قانون و مجریان قانون وجود دارد: او مدل اول را مدل «کنترل اجتماعی»^۳ یا مدل ابزاری می‌نامد. که در آن مردم به وسیله منافع شخصی تحریک می‌شوند. دومین مدل، مدل «مشروعیت» یا هنجارهای

1- compliance

2- why people obey the law

3- social control

اجتماعی است. بر اساس این مدل دیدگاه‌های مردم درباره مشروعیت نهادی و قانون، همکاری و پیروی آن‌ها را از قوانین و مجریان قانون تحت تأثیر قرار می‌دهد. در رویکرد کنترل اجتماعی یا ابزاری استدلال می‌شود که کنش‌های مردم به وسیله منافع شخصی شان، خواه در شکل ضمانت‌های اجرایی یا مشوق‌ها (پاداش) کنترل می‌شود. این رویکرد مبتنی بر مفروضات نظریه انتخاب عقلانی درباره انگیزش انسانی است. از نظر تیلر در رویکرد ابزاری منافع کوتاه مدت برخی مردم، به جای اطاعت از قانون، قانون را می‌شکنند. همچنین به نظر او احتمال دستگیری یا مجازات تأثیر کمی بر قانون‌گرایی مردم دارد. استراتژی‌های کنترل اجتماعی مبتنی بر مدل بازدارندگی رفتار انسانی است. اما در رویکرد هنجاری یا غیر ابزاری اکثر مردم به خاطر این از قانون اطاعت می‌کنند که آن‌ها آن را مشروع می‌دانند. به عبارت دیگر قانون، هنجارهای اخلاقی و ارزشی را اظهار می‌دارد که در سطح گسترده‌ای به وسیله گروه‌های اجتماعی مسلط و تابع پذیرفته می‌شود. او این رویکرد را «خود-تنظیم کننده»^۱ می‌نامد به دلیل این که آن بر روی هنجارها، ارزش‌ها و ترجیحات مردم استوار است. بر اساس این رویکرد وقتی که مردم در ارتباط با مجریان قانون قرار می‌گیرند رفتارشان به دلیل هنجارها و ارزش‌های مشترک با قانون ممکن است بیش تر با انگیزش‌های درونی و کم‌تر تحت تأثیر ضمانت‌های اجرایی و یا مشوق‌ها قرار گیرد. در حقیقت شهروندان مسئولیت پیروی از قانون را در درونشان می‌پذیرند (Tyler, 2006, Tyler & faggan, 2008, Tyler & Darley, 2000).

از نظر تیلر برای این که قانونی مؤثر باشد مردم باید از آن اطاعت کنند. نظام قانونی به شدت به اطاعت داوطلبانه مردم وابسته است. چرا که قوانین کیفری و مجریان قانون در استفاده از تنها تهدید مجازات ناتوان است. مطالعات نشان می‌دهند که بازدارندگی تأثیر کمی بر روی رفتار دارد. از این رو به خاطر محدودیت‌های عملی و نهادین قدرت اجبار، مجریان قانون به احترام داوطلبانه تصمیماتشان به وسیله اکثر مردم در اکثر زمانها وابسته‌اند.

1- self-regulatory

حتی زمانی که مجریان قانون از قدرت پاداش و مجازات برخوردارند آن‌ها از تمایل مردم از پذیرش داوطلبانه تصمیماتشان سود می‌برند. پذیرش داوطلبانه تصمیمات نیاز مجریان قانون برای تبیین و توجیه هر تصمیم و نیاز به نظارت بر اجراء را کم کرده و موجب استفاده از منابع جمعی برای تسهیل اطاعت می‌شود. از این رو تلاش برای فهم اعمال مؤثر اقتدار قانونی به طور غیر قابل اجتنابی منجر به بررسی نگرش‌هایی درباره مجریان قانون از نظر مردم می‌شود. (Tyler, 2002, 2006)

بر این اساس هدف تیلر از مطالعاتش، ارائه و دفاع از رویکردی جانشین برای حفظ نظم اجتماعی است که بر جلب رضایت و همکاری عموم با قانون و مجریان قانون مبتنی است. این رویکرد جانشین که او آن را غیر ابزاری می‌نامد از طریق تحقیقات پیمایشی مختلف مورد آزمون قرار گرفت. او نشان داد که مشروعیت، اطاعت از قانون را شکل می‌دهد. همچنین از نظر او مشروعیت مبتنی بر «قضاوت‌های ابزاری»^۱ نیست بلکه ریشه در «قضاوت‌های عدالت رویه‌ای»^۲ دارد. او همه مطالعات خود را بر مبنای مفهوم عدالت رویه‌ای قرار می‌دهد. در حقیقت انگیزش مردم برای همراهی با یکدیگر، در این مورد همکاری با مجریان قانون، ریشه در روابط اجتماعی و قضاوت‌های اخلاقی دارد و اساساً از میل یا اجتناب از مجازات‌ها یا به دست آوردن پاداش‌ها تأثیر نمی‌پذیرد. از نظر او مجریان قانون به این همکاری داوطلبانه نیازمندند هر چند که در غیر این صورت می‌توانند از ابزار کنترل اجتماعی هم استفاده کنند.

معنی عدالت رویه‌ای

تیلر برای بیان معنی «عدالت رویه‌ای»^۳ مدل‌های ابزاری و غیر ابزاری را با یکدیگر مقایسه می‌کند. کار اولیه درباره عدالت رویه‌ای به طور مشخص کار تیبات و والکر (Thibaut & walker, 1975) تفسیری ابزارگرایانه یا مبتنی بر کنترل از عدالت رویه‌ای

1- instrumental judgments 2- procedural justice judgments 3- procedural justice

ارائه کرد. به نظر آنان مردم رویه‌های منصفانه را به عنوان رویه‌هایی تعریف می‌کنند که از طریق آن به آن‌ها فرصتی برای ارائه خواسته‌هایشان، قبل از این که تصمیمات گرفته شود، داده می‌شود. تفسیرشان از یافته‌های به دست آمده این بوده است که هدف مردم در این مشاجرات به دست آوردن نتایج منصفانه برای خودشان بوده است (به دست آوردن عدالت توزیعی). بنابراین هدف رویه منصفانه ایجاد برآیندی منصفانه است. مطالعات بعدی درباره عدالت رویه‌ای اهمیت عوامل غیر ابزاری را از نظر مردم نشان داد. این معیارها، معیارهای عقلانی نامیده می‌شوند. به خاطر این که آن‌ها برای مردم بازخوردی درباره کیفیت روابطشان با صاحبان اقتدار و نهادها فراهم می‌کنند. معیارهای عقلانی ارزیابی‌هایی از کیفیت رفتار بین شخصی (آیا با مردم با احترام و بزرگی رفتار می‌شود؟ آیا حقوقشان محترم شمرده می‌شود) و ارزیابی‌هایی از قابلیت اعتماد مجریان قانون و همچنین قضاوت‌هایی از بی‌طرفی در زمینه تصمیم‌سازی را شامل می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهند که جنبه مهمی از عدالت رویه‌ای این قضاوت‌های غیرابزاری را دربر می‌گیرد. به طور کلی تحقیق در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نشان داد که قضاوت‌های عدالت رویه‌ای تأثیر عمیقی بر نگرش‌ها و رفتار قانونی دارد (Tyler, 2006, 2002).

تیلر رویکرد خود را رویکرد مشروعیت و پایبندی (احترام، تن دردهی) می‌نامد که بر احساس الزام مردم به اطاعت از تصمیمات مجریان قانون تأکید دارد. به نظر او قطع نظر از قضاوت مردم درباره یک تصمیم، آنان در صورتی از آن پیروی می‌کنند که قدرتی که تصمیم را اتخاذ می‌کند مستحق اطاعت کردن در نظر گیرند (Tyler, 2002).

تیلر برای مشخص کردن چستی عدالت رویه‌ای نظریه «ارزش گروهی»^۱ را مطرح می‌کند، این نظریه بر قضاوت‌های افراد درباره رویه‌هایی که نهادها و افراد در اعمال قانون به کار می‌گیرند تأکید دارند. او این نظریه را با مشخص کردن سه عاملی گسترش می‌دهد که در آن احساس امنیت فرد در جامعه و باور به عادلانه بودن رویه‌ها از نظر آن‌ها مهم

1- group-value

می‌باشد. او سه عنصر «اعتبار»^۱، «اعتماد»^۲ و «بی‌طرفی»^۳ را سه عنصر تعیین کننده در قضاوت‌ها در مورد عدالت رویه‌ای می‌داند. بی‌طرفی بیان‌گر آن است که مجریان قانون در برخوردشان با همه رفتارهای منصفانه‌ای از خود نشان می‌دهند. بی‌طرفی شامل درست‌کاری، رفتار بدون تبعیض، سازگاری و تصمیم‌گیری واقعی می‌شود. تبعیض، قوی‌ترین نشانه فقدان بی‌طرفی است به دلیل این که به مردم فرصت برابر برای دسترسی به منابع اجتماعی داده نمی‌شود. مردم تحت تأثیر میزان بی‌طرفی مجریان قانون قرار می‌گیرند. مردم همچنین تحت تأثیر وضعیتی قرار می‌گیرند که در آن احساس کنند که مجریان قانون که با آن‌ها سروکار دارند بر این نیت هستند که با آن‌ها و دیگران رفتار منصفانه‌ای دارند. عاملی که تیلر آن را اعتماد می‌نامد. این تصور (منصفانه دانستن نیت مجریان قانون) از اهمیت زیادی برخوردار است. به دلیل آن که هم ویژگی رفتاری مجریان را انعکاس داده و هم اساسی برای پیش‌بینی رفتار آینده‌شان است. صادق بودن و توجه به نظر دیگران توسط مجریان قانون، قضاوت درباره آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اعتبار مستقیماً با قضاوت‌های مردم درباره جایگاهشان در جامعه، که تحت تأثیر رفتار بین شخصی‌شان با مجریان قانون است، در ارتباط است. وقتی با فردی با ادب و درخور رفتار می‌شود و وقتی حقوق و عقاید شخصی فرد محترم شمرده می‌شود احساس اعتبار مثبت گسترش می‌یابد. به عبارت دیگر رفتار بی‌ادبانه، دور از شأن و بی‌اعتنا توسط مجریان قانون نشان دهنده آن است که فرد عضو کاملی از جامعه نیست. تیلر عقیده دارد که هر سه این عوامل به عنوان قضاوت‌هایی در باب رابطه فرد با مجریان قانون در نظر گرفته می‌شود. از این رو او «مدل رابطه‌ای اقتدار» را به عنوان جزئی از نظریه «ارزش گروهی» در باب مسائل مربوط به اقتدار گسترش می‌دهد. او استدلال می‌کند که مشروعیت یک جایگاه قانونی و اطاعت بعدی نسبت به دستورات و تصمیمات مجری قانون عمیقاً به وسیله قضاوت‌های عدالت رویه‌ای تحت تأثیر قرار می‌گیرد. (Tyler & Lind, 2002). در حقیقت از نظر او عدالت رویه‌ای از

1- dignity 2- trust 3- neutrality

طریق این سه عامل (اعتبار، اعتماد، بی طرفی) در روابط افراد با مجریان قانون شکل می گیرد. هرچه احساس عدالت رویه‌ای در جهتی مثبت باشد اطاعت و پذیرش قانون هم آسان تر شکل می گیرد. قطعاً عدم بی طرفی، عدم اعتماد و عدم اعتبار، عدم اطاعت از قانون را در پی خواهد داشت.

از نظر او سه قضاوت دربارهٔ ۱- مجریان قانون ۲- تصمیمات قانونی و ۳- قواعد قانونی به شدت تحت تأثیر عدالت رویه‌ای که از طریق تجربه و رابطه با مجریان قانون حاصل می شود قرار می گیرد. در حقیقت مردم در صورتی که تشخیص دهند شیوه‌هایی که تصمیمات اتخاذ می شود عادلانه (منصفانه) است دیدگاهی منفی دربارهٔ قانون، مجریان قانون و نظام قانونی نداشته و از قوانین اطاعت می کنند، حتی اگر قوانین نتایجی سودمند برای آن‌ها نداشته باشد (Ibid). تیلر در بررسی تجربی خود تحت عنوان «عدالت رویه‌ای و دادگاه‌ها» به بررسی تأثیر عدالت رویه‌ای در پذیرش تصمیم دادگاه‌ها و اطاعت از قانون توسط مردم می پردازد. بر اساس این تحقیق در صورتی که مردم رویه‌های عادلانه را در محیط‌های اعمال قانون (مثل دادگاه‌ها) تجربه کنند تعهد آنان برای اطاعت از قوانین افزایش می یابد (Tyler, 2008). این بدان معنی است که وقتی مردم رویه‌های اعمال قانون را در در تجارب روزمره خود ناعادلانه بدانند طبعاً گرایش آن‌ها به عدم پیروی از قانون بیش تر می شود.

مشروعیت و اطاعت

«مشروعیت»^۱ مفهومی کلیدی در بررسی تیلر دربارهٔ اطاعت یا عدم اطاعت از قانون است. از نظر او مشروعیت قانون، کارگزاران قانون و قانون‌گذاران که خود تحت تأثیر عدالت رویه‌ای است در پیروی افراد از قوانین تأثیر مستقیم دارد. به نظر او وقتی بحث از مشروعیت مجریان قانون به میان می آید، بحث «پیروی داوطلبانه»^۲ از قانون و مجریان از

1- legitimacy

2- voluntary deference

اهمیت برخوردار می‌شود. در حقیقت در این وضعیت پیروی افراد از قانون داوطلبانه و بدون اعمال کنترل می‌باشد (Tyler, 1997).

مشروعیت، احساس الزام برای اطاعت از قوانین و پیروی از تصمیماتی است که به وسیله مجریان قانون اتخاذ می‌شود. بنابراین مشروعیت ارزش اجتماعی مهمی را جدا از منافع شخصی نشان می‌دهد. از طریق مشروعیت، مجریان قانون می‌توانند پیروی و همکاری عموم را به دست آورند (Tyler & faggan, 2008).

مجریان قانون می‌خواهند تا مردم آن‌ها را مشروع بدانند، به خاطر این که چنین دیدگاه‌هایی مردم را به سوی پیروی از قوانین در زندگی هر روزه شان هدایت می‌کند. در حقیقت مجریان قانون به شدت بر روی همکاری داوطلبانه اکثر شهروندان در اکثر زمان‌ها متکی هستند. آن‌ها از این موضوع سود می‌برند که مشروعیت شان چنین همکاری ای را به شکل رفتار قانونمند که به وسیله احساس مسئولیت و الزام هدایت می‌شود تشویق می‌کند. در حقیقت هرچه مردم مشروعیت بیشتری برای مجریان قانون قائل شوند، تصمیمات آن‌ها را بهتر اجراء می‌کنند. تمایل مردم برای پذیرش تصمیمات مجریان قانون به شدت تحت تأثیر دیدگاهشان درباره مشروعیت مجریان قرار دارد (Tyler, 2001). وقتی مردم مجریان قانون را مشروع بدانند آن‌ها به دستوراتشان عمل می‌کنند به خاطر این که مردم باور دارند که مجریان قانون اقتدارشان را عادلانه اعمال می‌کنند و نیات خیراندیشانه و قابل اعتمادشان را نشان می‌دهند. بر این اساس مجریان قانون به ایجاد و حفظ مشروعیت شان از دید عموم نیازمندند. این دیدگاه توجه ما را به جامعه‌پذیری احساسات الزام در شهروندان و مسائل مرتبط با حفظ فرهنگ قانونی در میان بزرگسالان هدایت می‌کند. (Ibid)

در حقیقت اگر شهروندان باور کنند که مجریان قانون مشروع هستند، آن‌ها آنان را مستحق اطاعت کردن در نظر می‌گیرند. اگر چه تهدید مجازات در رابطه با قانون همیشه وجود دارد اما اکثر مردم تصمیم مجریان قانون را نه به خاطر ترس بلکه به خاطر این

می‌پذیرند که اکثر مردم آنان را به عنوان مقام‌های مشروع در نظر می‌گیرند که باید اطاعت شوند (Tyler & Darely, 2000).

در حقیقت بحث مرکزی تیلر این است که تهدید مجازات همیشه در رابطه با عدم پذیرش قانون وجود دارد. اما او به پیروی خودبه‌خودی شهروندان از قانون بدون در نظر گرفتن ضمانت اجرایی و مجازات تأکید دارد. از نظر او پذیرش قوانین نه به خاطر ترس بلکه به خاطر مشروعیت و عدالت رویه‌های اعمال قوانین از طرف مجریان قانون است. قطعاً وقتی مردم مجریان قانون را به خاطر رویه‌های غیر منصفانه مشروع ندانند به تصمیمات آنان هم توجه‌ای نخواهند کرد. چرا که آنان را مستحق اطاعت کردن نمی‌دانند.

مشروعیت و عدالت رویه‌ای

از نظر تیلر بنیان مشروعیت، عدلانه بودن رویه‌هایی است که به وسیله مجریان قانون مورد استفاده قرار می‌گیرد. او بر خلاف رویکرد ابزارگرایی که در آن مردم مجریان را بر اساس عملکردشان که مبتنی بر ارائه منابع و سیاست‌های مطلوبشان است ارزیابی می‌کنند. چارچوب متفاوتی برای ارزیابی مشروعیت ارائه می‌کند. این چارچوب مرتبط با قابلیت یا عدالت تصمیمات ساخته شده یا سیاست‌هایی که به وسیله جایگاه‌های قانونی دنبال می‌شود نیست. بلکه مشروعیت مرتبط با عدلانه بودن رویه‌هایی است که از طریق آن پلیس و دادگاه‌ها قانون را اجرا می‌کنند. تیلر در نظریه خود تأکیدش را بر روی بررسی دیدگاه‌های مردم درباره مشروعیت کلی قانون و مجریان قانون قرار می‌دهد به جای آن که تنها بر روی واکنش‌ها بر تصمیمات مشخص تأکید کند. در این میان عدالت رویه‌ای از اهمیت بالایی برخوردار است. به نظر او با تأثیرگذاری عدالت رویه‌ای بر مشروعیت مجریان قانون اثر گذاری قانون بیش‌تر خواهد شد (Tyler, 2003, 2006).

تیلر در مطالعه‌ای تحت عنوان «مشروعیت و همکاری»^۱ که با همکاری فاگان (faggan) انجام داده است به بررسی دلایل همکاری مردم با پلیس و پیروی آنان از قوانین می‌پردازد.

1- legitimacy and cooperation

در این مطالعه که در میان ساکنان شهر نیویورک انجام شده است تأثیر مشروعیت پلیس بر همکاری مردم با پلیس در مبارزه با جرم و اطاعت آنان از قوانین تأیید شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشروعیت در رابطه با عادلانه بودن رویه‌هایی است که به وسیله پلیس در اعمال اقتدارشان مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مطالعه تأثیر تجربه روابط افراد با پلیس را بر روی مشروعیت آنان و در نهایت همکاری و اطاعت از قوانین را نشان می‌دهد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که عدالت رویه‌ای در طول یک تجربه شخصی، مشروعیت را صرف نظر از مطلوبیت برآیند افزایش می‌دهد (Tyler & faggan, 2008). بر این اساس می‌توان گفت که وقتی افراد رویه‌های اعمال قانون را عادلانه ندانند نتیجه آن عدم مشروعیت مجریان و کارگزاران قانون خواهد بود.

اعتماد

اعتماد مفهومی کلیدی در نظریه تیلر در مورد اطاعت یا عدم اطاعت از قانون می‌باشد. به نظر او اعتماد مردم به قانون و مجریان قانون در اطاعت مردم از قانون بسیار اهمیت دارد. تا جایی که بی‌اعتمادی عموم نسبت به قانون و مجریان قانون موجب عدم اطاعت آنان از قانون می‌گردد (Tyler, 1998). تیلر در مقاله خود تحت عنوان «اعتماد و اطاعت از قانون: مدل پیشرونده از نظام اجتماعی» به بررسی تأثیر اعتماد به مجریان قانون (پلیس و دادگاه‌ها) از طرف مردم و اطاعت از قانون توسط آن‌ها می‌پردازد. از نظر او وقتی که مجریان قانون از طریق رویه‌هایی که از نظر عموم عادلانه است تصمیم‌گیری کنند اعتماد عموم نسبت به آن‌ها تقویت شده و این موجب اطاعت بیش‌تر از قوانین در جامعه می‌شود. (Tyler, 2001)

تیلر به جای پذیرش اجباری قانون از طرف کارگزاران، مدل جایگزین «اعتماد مبتنی بر نیت» را مطرح می‌کند. از نظر او اگر مردم باور داشته باشند که کارگزاران با حسن نیت عمل می‌کنند احتمال بیش‌تری وجود دارد تا آن‌ها از روی اختیار به تصمیماتشان تن در دهند. چنین حسن نیتی عنصر مرکزی اعتماد مبتنی بر نیت است. تیلر این اعتماد را از

اعتماد حساب گرانه متمایز می‌کند. اعتماد حساب گرانه یا عقلانی بر این باور مبتنی است که شخص می‌تواند به دقت پیش‌بینی کند که افراد دیگر چگونه رفتار خواهند کرد. اعتماد مبتنی بر نیت شامل استنباطی درباره روح یا انگیزه‌ای است که رفتار را شکل خواهد داد، نه این که چه رفتار مشخصی رخ خواهد داد. این نوع اعتماد همکاری داوطلبانه را تشویق می‌کند. از نظر او خود کارگزاران از طریق عمل به شیوه‌هایی که افراد جامعه آن را عادلانه می‌دانند، می‌توانند ایجاد اعتماد کنند. در حقیقت واکنش‌های مردم به تجارب شخصی شان با کارگزاران اجتماعی ریشه در ارزیابی‌های شان از عادلانه بودن رویه‌هایی دارد که آن کارگزاران در اعمال اقتدارشان استفاده می‌کنند. (Tyler, 2001)

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اعتماد نقش مهمی را در شکل دهی به واکنش‌های مردم به تجارب شخصی شان با مجریان قانون بازی می‌کند. این نقش به دو شیوه خود را نشان می‌دهد:

- ۱- مردمی که به نیت مجریان قانون که با آن‌ها سروکار دارند اعتماد دارند تمایل بیشتری در جهت احترام گذاشتن به آن‌ها دارند. یک چنین احترامی اختیاری است و مردم تصمیمات مجریان قانون را برای حل مسائل یا تضاد می‌پذیرند.
 - ۲- اعتماد به احساسات مثبت‌تری نسبت به مجریان قانون منجر می‌شود. وقتی مردم اعتماد می‌کنند که مجریان قانون با حسن نیت عمل می‌کنند احتمال کم‌تری وجود دارد تا اعمال خصومت آمیز و مخالفت از آنان سر بزنند. (Ibid)
- این بدان معنی است که وقتی مردم نسبت به مجریان قانون اعتماد نداشته باشند، قاعدتاً احساسات مثبتی نسبت به آن‌ها نداشته و تمایل کم‌تری برای اطاعت از آن‌ها از خود نشان خواهند داد. در این میان رویه‌های اعمال قانون توسط مجریان بسیار تأثیرگذار است.
- تیلر در کتاب خود «اعتماد به قانون» که با همکاری هیو (Huo) نوشته است به بررسی همین موضوع در برخوردهای شخصی مردم با پلیس و قضات می‌پردازد. بحث کلیدی این کتاب آن است که عدالت رویه‌ای و اعتماد مبتنی بر نیت تأثیر مهمی را بر پذیرش

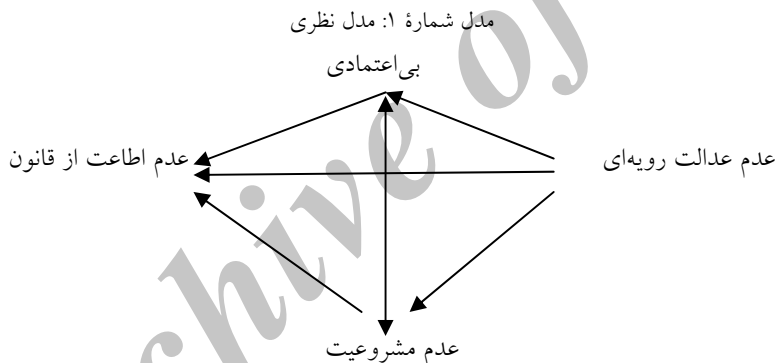
تصمیمات مجریان قانون از طرف مردم دارد. این کتاب مبتنی بر اطلاعاتی است که به صورت پیمایشی از مردم کالیفرنیا جمع‌آوری گردید. از نظر این دو در صورتی که مردم نسبت به مجریان قانون اعتماد داشته باشند و رویه‌های آن‌ها را عادلانه بدانند تصمیمات آن‌ها را می‌پذیرند هرچند که آن تصمیمات را نامناسب بدانند. (Tyler & Huo, 2002)

از نظر تیلر هرچند اعتماد تحت تأثیر عدالت رویه‌ای است اما مشروعیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد: تمایل مردم به اعتماد مجریان قانون و اطاعت از تصمیماتشان ریشه در قضاوت‌های مردم در مورد عادلانه بودن فرآیندهایی دارد که از طریق آن‌ها این کارگزاران اقتدارشان را اعمال می‌کنند. هم کیفیت تصمیم‌گیری و هم کیفیت برخورد با مردم، بر قضاوت‌های عدالت رویه‌ای کلی و اعتماد به مجریان تأثیر دارد. (Tyler, 2001) مشروعیت کلی (نسبت به قانون، مجریان قانون، نهادها) اساساً از طریق ارزیابی‌ها از قابلیت اعتماد شکل می‌گیرد. در حقیقت اعتماد به تصمیمات، حاصل از تجارب شخصی در شکل دهی به دیدگاهی کلی درباره مشروعیت قانون و مجریان قانون اساسی است. اعتماد جهت‌گیری کلی در مورد قانون و مجریان قانون را شکل می‌دهد (Ibid). بنابراین هرچند اعتماد خود تحت تأثیر قضاوت‌ها درباره عدالت رویه‌ای است مشروعیت کارگزاران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این بدان معنی است که اعتماد بالا موجب مشروعیت بالا و بی‌اعتمادی طبعاً موجب عدم مشروعیت خواهد شد. و هر دوی این‌ها (بی‌اعتمادی و عدم مشروعیت نسبت به مجریان قانون) تأثیری منفی در اطاعت از قوانین دارند.

جمع‌بندی و ارائه مدل

موضوع مورد تأکید تیلر در بحث از مطالعه قانون‌مداری یا قانون‌گزینی رویه‌های اعمال قانون است. از نظر او وقتی مردم در زندگی روزمره که با شیوه‌های اعمال قانون در جامعه روبه‌رو می‌گردند این رویه‌ها را عادلانه بدانند طبعاً این موضوع بر رفتار بعدی آنان درباره رعایت قانون تأثیرگذار است. اما وقتی مردم در تجربه روزمره خود رویه‌های اعمال قانون

را که توسط مجریان قانون اعمال می‌شود عادلانه ندانند این وضعیت موجب می‌شود تا اطاعت از قانون به عدم اطاعت از قانون تبدیل شود. هرچند این رویه‌های اجرای قانون بر مشروعیت سیاسی نظام و کارگزاران قانون تأثیر دارد. بدین معنی که وقتی رویه‌های اعمال قانون از نظر مردم عادلانه باشد مشروعیت سیاسی مجریان و قانون گذاران بیش تر می‌شود و موجب افزایش اعتماد مردم نسبت به آنان می‌شود. اما وقتی عکس این قضیه اتفاق بیفتد نباید انتظار داشت که مردم از قوانین اطاعت کنند. بدین معنی که وقتی مردم در تجربه‌های زندگی روزمره اجرای قانون را عادلانه نبینند و شاهد نوعی بی‌عدالتی در رویه‌های اعمال قانون باشند. این امر موجب بی‌اعتمادی به کارگزاران قانون و در نتیجه عدم مشروعیت آنان خواهد شد. نتیجه این معادله قانون‌گریزی افراد در جامعه خواهد بود. در حقیقت این موضوع موجب می‌شود که افراد در تجارب بعدی شان برای قانون احترام قائل نشوند.



روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق

این تحقیق به روش پیمایشی انجام می‌شود. هرچند در پیمایش عمدتاً از پرسش‌نامه استفاده می‌شود اما فنون دیگری از قبیل مصاحبه عمیق و مصاحبه ساختمند، مشاهده، تحلیل محتوی و جز این‌ها هم به کار می‌روند. ویژگی‌های بارز پیمایش عبارتند از: شیوه گردآوری داده‌ها و روش تحلیل آن‌ها (دواس، ۱۳۷۶).

جامعه آماری و نمونه تحقیق

جامعه آماری این تحقیق کلیه زنان و مردان بالای ۲۴ سال در شهر تهران می‌باشند. در حقیقت جامعه آماری تحقیق شهروندان تهرانی می‌باشند و محدوده آن هم شهر تهران می‌باشد. افراد بالای ۲۴ سال واحد آماری این تحقیق هستند. حجم نمونه با توجه به امکانات تحقیق (ملاحظات زمانی و مالی) ۴۰۰ نفر انتخاب شده است.

روش نمونه‌گیری

واحد مشاهده و سطح تحلیل در این تحقیق فرد می‌باشد. از آن جا که جامعه آماری بسیار وسیع می‌باشد نمونه‌گیری از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از نوع «چند مرحله‌ای»^۱ انجام می‌شود. اگر واحدهای تشکیل دهنده جمعیت مجتمع، خوشه‌هایی از افراد باشند و اگر به جای مشاهده تمام افراد تشکیل دهنده خوشه‌های انتخاب شده، نمونه‌ای از افراد داخل آن‌ها برای مشاهده نهایی برگزیده شود نمونه‌گیری را دو مرحله‌ای و یا چند مرحله‌ای می‌نامند (سرایی، ۱۳۷۲).

در این تحقیق با توجه به این که محدوده تحقیق در شهر بزرگ تهران بوده است ابتدا مناطق ۲۲ گانه تهران به چهار خوشه (شرق - غرب و شمال - جنوب) از مناطق تهران تقسیم شده است، بعد به صورت تصادفی دو منطقه از هر خوشه انتخاب شده است. بنابراین نمونه از ۸ منطقه در چهار خوشه انتخاب شده است. بر این اساس برای هر منطقه ۵۰ نمونه در نظر گرفته شده است. در داخل هر منطقه انتخاب شده بلوک و بعد از آن خانوار مورد انتخاب قرار گرفته و بعد نمونه مورد نظر در خانوار انتخاب شده است.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

در این تحقیق داده‌ها از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته جمع‌آوری شده است. و به صورت مصاحبه توسط پرسش‌گران از نمونه جمع‌آوری گردید.

1- multi- stage sampling

آزمون پرسش‌نامه

قبل از جمع‌آوری اطلاعات، اعتبار (روایی) و پایایی پرسش‌نامه مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی اعتبار پرسش‌نامه از اعتبار محتوی استفاده گردید. این اعتبار مبتنی بر ارزیابی پرسش‌نامه توسط افراد متخصص است. برای این منظور پرسشنامه اولیه توسط ۱۵ نفر از داوران متخصص در علوم اجتماعی از نظر شکلی و محتوی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین در این تحقیق با استفاده از اطلاعاتی که از ۴۰ نمونه جمع‌آوری گردید پایایی پرسش‌نامه از طریق ضریب آلفا مورد بررسی قرار گرفت. از طریق این دو آزمون برخی سئوالات حذف و یا مورد اصلاح قرار گرفت.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق از دو نرم افزار استفاده شده است. برای آماده سازی داده‌ها، تحلیل‌های توصیفی و آزمون فرضیات از نرم افزار Spss استفاده شده است. برای توصیف داده‌ها از جداول فراوانی و برای آزمون فرضیات از مقایسه میانگین‌ها و پی‌رسون و کندال استفاده شده است. اما برای ارائه مدل ساختاری از نرم افزار LISREL استفاده گردید. برنامه لیزرل نرم افزاری است برای تخمین و آزمون مدل‌های معادلات ساختاری که تحت این نرم افزار مجموعه‌ای از برنامه‌های کاربردی دیگر نیز توسعه داده شده است تا محققان بتوانند از این مجموعه در جهت آزمون مدل‌ها و بررسی برازش آن‌ها استفاده کنند. (کلانتری؛ ۱۳۸۸)

تعریف متغیرها

متغیر پاسخ (وابسته)

متغیر وابسته در این تحقیق قانون‌گریزی است. قانون‌گریزی رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می‌گیرد. اما منظور از قانون‌گریزی در این تحقیق قانون‌گریزی

نرم می‌باشد. یعنی هر نوع رفتاری که قوانین رسمی جامعه را نادیده گرفته و دارای ویژگی غیرخشونت‌آمیز، گاه‌گاهی و عمدتاً بدون مجازات یا مجازات ضعیف باشد. بر این اساس قانون‌گزینی از طریق شاخصی با ۱۷ سؤال (مانند عدم پرداخت به موقع مالیات یا عوارض، عدم رعایت قوانین رانندگی، خرید کالای غیر مجاز، دادن رشوه، دستکاری نامه اداری و ...) در سطح فاصله‌ای سنجیده شد.

متغیرهای پیش‌بین (مستقل)

متغیرهای زمینه‌ای

متغیرهای زمینه‌ای که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است عبارتند از: سن، جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات، وضعیت اقتصادی و نوع شغل. با توجه به سطح سنجش این متغیرها تأثیر آن‌ها بر قانون‌گزینی مورد بررسی قرار گرفته است.

عدم عدالت رویه‌ای

عدالت رویه‌ای بر قضاوت‌های افراد درباره رویه‌هایی که نهادها و افراد در اعمال قانون به کار می‌گیرند تأکید دارند. بی طرفی، اعتبار، احترام، عدم تبعیض در رفتار از جمله عوامل کلیدی در عدالت رویه‌ای است. بنابراین عدم عدالت رویه‌ای به معنی رفتارهای طرف‌دارانه، عدم احترام و تبعیض آمیز مجریان قانون با مردم است. در حقیقت عدم عدالت رویه‌ای به شیوه اعمال قانون مربوط است. هرگاه مردم شیوه اعمال قوانین توسط مجریان قانون را ناعادلانه بدانند قطعاً این تصور بر اطاعت آنان از قوانین تأثیر منفی دارد. در حقیقت احساس عدم عدالت رویه‌ای در افراد موجب قانون‌گزینی در افراد می‌شود. احساس عدم عدالت رویه‌ای با ساختن شاخصی با ۸ سؤال در سطح فاصله‌ای سنجیده شده است.

عدم مشروعیت سیاسی

عدم مشروعیت سیاسی به معنی عدم پذیرش اقتدار نظام سیاسی و کارگزاران آن توسط مردم است. وقتی مردم جامعه، اقتدار نظام سیاسی و کارگزاران آن را قبول نداشته باشند، قاعداً از قوانینی که توسط نظام سیاسی تدوین می‌شود هم اطاعت نمی‌کنند. برای سنجش عدم مشروعیت، صلاحیت و مقبولیت قانون‌گذاران و مجریان قانون از نظر پاسخ‌گویان مورد بررسی قرار می‌گیرد. وقتی قانون‌گذاران و مجریان قانون از مشروعیت کافی برخوردار نباشند افراد جامعه هم تمایلی در اطاعت از تصمیمات آن‌ها نخواهند داشت. بنابراین عدم مشروعیت سیاسی موجب عدم اطاعت از قوانین توسط افراد جامعه خواهد شد. این متغیر هم از طریق شاخصی با ۶ سؤال در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است.

عدم اعتماد مدنی

عدم اعتماد مدنی به معنی عدم اطمینان به مجریان قانون است. بی‌اعتمادی افراد به نهادها و مأموران دولتی بر رفتار آنان در زمینه اطاعت از قوانین تأثیر منفی دارد. در این جا اعتماد مردم بیش‌تر به افرادی که اختصاصاً در ارتباط با قانون‌گذاری و اجراء آن هستند مد نظر می‌باشد. از این رو میزان بی‌اعتمادی پاسخ‌گویان به پلیس و نیروی انتظامی، قضات دادگاه‌ها، مدیران دستگاه‌های دولتی، نمایندگان مجلس، کارکنان ادارات دولتی، کارکنان نهادهای نظارتی (دیوان محاسبات، بازرسی کل کشور، دیوان عدالت اداری) و کارکنان شهرداری مورد پرسش قرار گرفته است. بنابراین شاخصی با هفت سؤال در سطح فاصله‌ای برای سنجش بی‌اعتمادی مدنی به کار گرفته شد.

یافته‌ها

توصیف اجمالی نمونه مورد مطالعه

همان‌گونه که آمد اطلاعات از بین ۴۰۰ نفر از شهروندان بالای ۲۴ سال شهر تهران جمع‌آوری گردید. است که ۵۳/۳ درصد زن (۲۱۳ نفر) و ۴۶/۸ درصد (۱۸۲ نفر) مرد بوده‌اند. همچنین میانگین سنی افراد ۳۶ سال بوده و پایین‌ترین سن ۲۴ سال و بالاترین سن نیز ۸۳ سال بوده است. به لحاظ وضعیت تأهل ۳۷/۸ درصد مجرد و ۵۹/۸ درصد هم متأهل بوده‌اند و ۲/۳ درصد دیگر هم بدون همسر بوده‌اند. در رابطه با تحصیلات هم افراد با تحصیلات دیپلم با ۳۰ درصد (۱۲۰ نفر) بیش‌ترین افراد نمونه و بی‌سوادها با ۱/۸ درصد کم‌ترین افراد نمونه را تشکیل می‌دهند.

بیش‌تر پاسخ‌گویان (۵۶/۵ درصد) وضعیت اقتصادی خود را متوسط ارزیابی کرده‌اند. ۳/۳ هم وضعیت اقتصادی خود را خیلی خوب ارزیابی کرده و تنها ۵/۸ درصد وضعیت اقتصادی خود را خیلی بد ارزیابی کرده‌اند. میانگین درآمد خانواده پاسخ‌گویان ۶۵۲ هزار تومان و میانگین درآمد افراد ۴۶۰۰۰۰ تومان بوده است. همچنین به لحاظ نوع شغل هم ۲۸/۳ درصد کارمند و ۱۹/۵ درصد هم دارای شغل آزاد بوده‌اند.

همچنین بررسی میانگین عدم عدالت رویه‌ای، عدم مشروعیت و عدم اعتماد نشان می‌دهد که عدالت، مشروعیت و اعتماد از وضعیت مطلوبی در بین پاسخ‌دهندگان برخوردار نیست. چرا که میانگین کل عدم عدالت رویه‌ای برابر با ۳/۱۰ (از ۴) می‌باشد. که نشان دهنده عدالت رویه‌ای پایین از نظر افراد می‌باشد. همچنین نمره میانگین کل شاخص عدم مشروعیت سیاسی ۲/۸۹ (از ۴) می‌باشد. که این نشان دهنده مشروعیت سیاسی نسبتاً پایین در جامعه است. و در نهایت این که کل میانگین شاخص عدم اعتماد مدنی ۳/۱۲ (از ۵) می‌باشد. و این یعنی اعتماد مدنی در بین پاسخ‌دهندگان از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.

آزمون فرضیات

در این تحقیق رابطه بین متغیرهای پیشبین (مستقل) به دو صورت مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا تلاش شده است از طریق نرم افزار SPSS به صورت دو به دو رابطه بین متغیرهای مستقل با وابسته (قانون‌گزینی) مورد بررسی قرار گیرد و بعد از آن از طریق نرم افزار Lisrel مدل اصلی تحقیق مورد آزمون قرار گیرد و از این طریق برازش مدل مورد تحلیل قرار گیرد.

همان‌گونه که در جدول آمده است بین جنسیت و قانون‌گزینی رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که مردها (با میانگین ۳۱/۵۴) قانون‌گریزتر از زنان (۲۷/۸۵) می‌باشند. همچنین نتیجه آزمون نشان می‌دهد که مردها (با میانگین ۳۳) ۵۳) قانون‌گزینی بیش‌تری از افراد متأهل (۲۷/۳۴) از خود نشان می‌دهند. بر اساس اطلاعات جدول بین نوع شغل و قانون‌گزینی هم رابطه معنی‌داری وجود دارد. چرا که افراد با شغل آزاد دارای میانگین قانون‌گزینی بیش‌تری از افراد دارای شغل دولتی می‌باشند.

جدول شماره (۲) آزمون تفاوت میانگین‌های بین متغیرهای پیشبین و قانون‌گزینی

مقدار p	میزان t	انحراف معیار	میانگین قانون‌گزینی	فراوانی	متغیرها	
					جنسیت	وضعیت تأهل
۰/۰۰	-۳/۲۶	۹/۲۲	۲۷/۸۵	۱۵۶	زن	جنسیت
		۱۰/۵۷	۳۱/۵۴	۱۵۱	مرد	
۰/۰۰	۱۱/۵	۱۱/۱۳	۳۳/۵۳	۱۱۷	مجرد	وضعیت تأهل
		۸/۶۳	۲۷/۳۴	۱۸۴	متاهل	
۰/۰۰	-۸۲/۲	۹/۱۴	۲۸/۵۰	۹۷	دولتی	نوع شغل
		۱۲/۱۵	۳۳/۴۲	۶۸	آزاد	

جدول شماره (۳) آزمون همبستگی دو به دو بین متغیرهای پیشبین (مستقل) و قانون‌گزینی را نشان می‌دهد. بر اساس جدول بین سن و قانون‌گزینی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

میزان همبستگی $0/23-$ و جهت رابطه معکوس می‌باشد. بدین معنی که با بالا رفتن سن قانون‌گزینی افراد هم کم‌تر می‌شود. همچنین با بالا رفتن تحصیلات ($r = -0/21$) هم قانون‌گزینی افراد کم‌تر می‌شود. به تعبیر دیگر افراد تحصیل کرده قانون‌گزینی کم‌تری نسبت به افراد با تحصیلات پایین از خود نشان می‌دهند. این موضوع در رابطه با وضعیت اقتصادی هم صادق است.

جدول شماره (۳) آزمون همبستگی متغیرهای پیشین و قانون‌گزینی

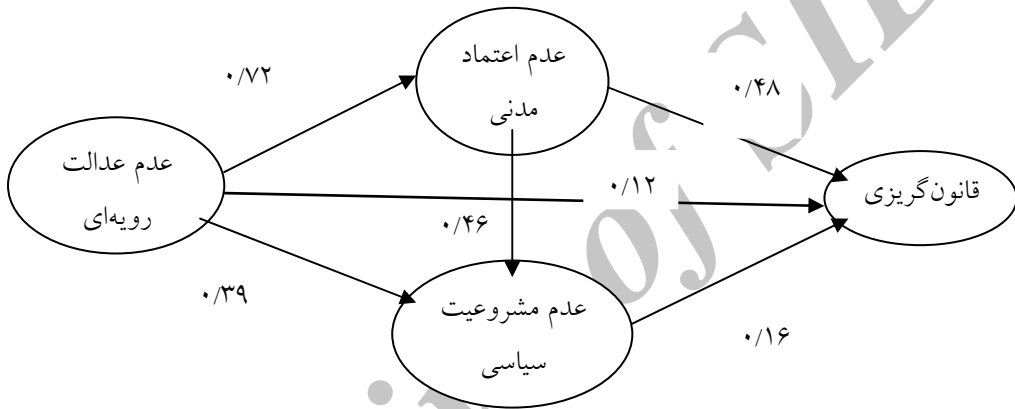
مقدار p	میزان همبستگی (r)	متغیرها
0/00	-0/23	سن
0/00	-0/21	تحصیلات
0/02	-0/25	وضعیت اقتصادی
0/00	0/25	عدم عدالت رویه‌ای
0/00	0/32	عدم اعتماد مدنی
0/00	0/27	عدم مشروعیت سیاسی

علاوه بر این بین عدم عدالت رویه‌ای و قانون‌گزینی در جهت مثبت رابطه‌ای معنی‌داری وجود دارد. بدین معنی که هرچه افراد احساس عدم عدالت رویه‌ای بیش‌تری داشته باشند قانون‌گزینی آنان هم بیش‌تر خواهد بود. به همین صورت عدم اعتماد مدنی هم تأثیری مثبت در قانون‌گزینی افراد در جامعه دارد. هرچه افراد اعتماد کم‌تری به مجریان قانون در زمینه عمل به قانون داشته باشند قانون‌گزینی آن‌ها هم بیش‌تر خواهد بود. در نهایت عدم مشروعیت سیاسی هم تأثیر مثبت بر قانون‌گزینی افراد در جامعه خواهد گذاشت. در حقیقت هرچه افراد برای قانون‌گذاران و مجریان قانون صلاحیت و شایستگی کم‌تری قائل شوند رفتار آنان کم‌تر در جهت پیروی از قوانین موجود جامعه خواهد بود.

آزمون مدل

همان‌گونه که در بخش چارچوب نظری آمد این تحقیق درصدد است تا با به کارگیری نظریه تام تیلر قانون‌گریزی را مورد بررسی قرار دهد با جمع‌بندی نظریه او مدل نظری شماره ۱ طراحی شده است. بر این اساس مدل نظری تحقیق از طریق نرم افزار لیزرل مورد آزمون قرار گرفت. نتیجه این آزمون مدل تجربی زیر می‌باشد.

مدل شماره ۲: مدل تجربی



همان‌گونه که از جدول شماره (۳) بر می‌آید این سه متغیر با هم ۲۷ درصد از تغییرات در قانون‌گریزی را مورد تبیین قرار می‌دهند. عدم عدالت رویه‌ای بیشترین تأثیر را با اثر کل ۰/۵۸ بر قانون‌گریزی به خود اختصاص داده است. بعد از آن عدم اعتماد مدنی با اثر کل ۰/۵۵ قرار دارد و در نهایت عدم مشروعیت سیاسی با اثر کل ۰/۱۶ قرار دارد. با توجه به اینکه عدم عدالت رویه‌ای متغیر بیرونی در مدل است اثر غیر مستقیم (۰/۴۶) بالایی دارد در حالی که اثر مستقیم آن (۰/۱۲) نسبت به دو متغیر دیگر پایین می‌باشد. در میان این سه متغیر عدم اعتماد مدنی بیشترین تأثیر مستقیم (۰/۴۸) را بر قانون‌گریزی دارد. این متغیر به شکل غیر مستقیم از طریق تأثیر بر عدم مشروعیت سیاسی بر قانون‌گریزی تأثیر دارد. این تأثیر با Beta ۰/۴۶ قابل توجه است. بدین معنی که بی‌اعتمادی مدنی تأثیر منفی بر

مشروعیت سیاسی دارد. در حقیقت هرچه افراد نسبت به کارگزاران سیاسی بی‌اعتمادتر باشند این موضوع موجب می‌شود تا کارگزاران، مشروعیت سیاسی خود را در جامعه از دست بدهند. این موضوع پیامدهای منفی مختلفی برای جامعه در پی خواهد داشت. یکی از این پیامدها قانون‌گزینی افراد در جامعه است. همانگونه که در مدل آمده است هرچند عدم عدالت رویه‌ای بطور مستقیم تأثیر کمتری بر قانون‌گزینی دارد اما تأثیر اصلی آن از طریق تأثیر بر عدم اعتماد مدنی و عدم مشروعیت سیاسی است. در حقیقت وقتی رویه‌های اعمال قانون از نظر افراد در جامعه عادلانه و منصفانه نباشد اعتماد مدنی و مشروعیت سیاسی در جامعه خدشه‌دار می‌شود. یکی از پیامدهای این وضعیت قانون‌گزینی از نوع نرم آن می‌باشد که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. اما همانگونه که در مدل آمده است عدم عدالت رویه‌ای تأثیر بیشتری بر عدم اعتماد مدنی (نسبت به عدم مشروعیت) و در نهایت قانون‌گزینی دارد.

جدول شماره (۴) اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای پیشین بر قانون‌گزینی

متغیرها	مستقیم	غیر مستقیم	کل	ضریب تعیین (R2)
قانون‌گزینی	-	-	-	۰/۲۷
عدم عدالت رویه‌ای	۰/۱۲	۰/۴۶	۰/۵۸	-
عدم اعتماد مدنی	۰/۴۸	۰/۰۷	۰/۵۵	-
عدم مشروعیت سیاسی	۰/۱۶	-	۰/۱۶	-

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که آمد این تحقیق قانون‌گزینی را از منظر نظریه عدالت رویه‌ای تام تیلر مورد بررسی قرار داده است. با توجه به اطلاعاتی که در مقدمه تحقیق آمده است قانون‌گزینی یا تمایل به قانون‌گزینی در ایران وجود دارد. در این تحقیق، محقق تلاش کرده است تا نوعی سنخ‌شناسی از قانون‌گزینی ارائه کند. از این رو بین قانون‌گزینی سخت و

قانون‌گزینی نرم تفاوت قائل شده است. با توجه به ویژگی‌هایی که برای هر دو نوع قانون‌گزینی آمده است در این تحقیق بر قانون‌گزینی نرم تأکید شده است. قانون‌گزینی نرم هر نوع رفتاری است که قوانین رسمی جامعه را نادیده گرفته و دارای ویژگی غیرخشونت‌آمیز، گاه‌گاهی و عمدتاً بدون مجازات یا مجازات ضعیف می‌باشد. برای بررسی این نوع قانون‌گزینی بر عدالت رویه‌ای تأکید شده است. عدالت رویه‌ای به شیوه‌های اعمال قانون اشاره دارد. در حقیقت همه مردم در زندگی روزمره خود به نوعی با تجربه اعمال قانون از طرف مجریان قانون روبه‌رو هستند. وقتی شیوه‌های اعمال قانون که به وسیله مجریان قانون به کار گرفته می‌شود از نظر مردم عادلانه باشد، طبعاً بر روی قانون‌گرایی آنان تأثیری مثبت خواهد داشت. اما وقتی رویه‌های اعمال قانون از طرف مجریان منصفانه و عادلانه نباشد رفتار بعدی افراد در قبال قانون به مانند قبل نخواهد بود. در حقیقت عدم عدالت رویه‌ای و اجراء تبعیض‌آمیز قانون، نگرش مردم را نسبت به مجریان قانون تغییر خواهد داد. بدین صورت که وقتی رویه‌های اعمال قانون از طرف مجریان منصفانه نباشد و آن‌ها قانون را به شکل تبعیض‌آمیز اجراء کنند و یا مردم را مورد بی‌توجهی قرار دهند به تدریج اعتماد مردم نسبت به آن‌ها کم شده و در نهایت صلاحیت آنان از طرف مردم زیر سؤال خواهد رفت. تأثیر متقابل این متغیرها موجب تزلزل رفتار قانون‌گرایانه افراد می‌شود. در این وضعیت است که افراد در جامعه قانون‌گزینی را به اطاعت از قانون ترجیح می‌دهند. این وضعیت زمانی می‌تواند از اهمیت برخوردار باشد که قانون‌گزینی مورد نظر، قانون‌گزینی از نوع نرم باشد. چرا که این نوع قانون‌گزینی دارای ویژگی‌هایی است که افراد با آسودگی بیش‌تری می‌توانند مرتکب آن شوند. چرا که هم غیر خشونت‌آمیز بوده و هم به خاطر این که معطوف به جامعه است کم‌تر فرد خاطی تحت پیگرد قرار خواهد گرفت و در نهایت این که هزینه این نوع قانون‌گزینی برای افراد به مراتب کم‌تر از قانون‌گزینی از نوع سخت است. به هر روی در این تحقیق قانون‌گزینی بیش‌تر تحت تأثیر ویژگی‌های مجریان قانون مورد بررسی قرار گرفته است. هرچند که ویژگی‌های فردی هم در نظر گرفته شده است.

- ارزشها و نگرشهای ایرانیان (۱۳۸۱)، یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ایسپا (مرکز افکار سنجی دانشجویان) (۱۳۸۱) بررسی نگرش شهروندان تهرانی در مورد قانون و مسائل آن در جامعه، جهاد دانشگاهی، گزارش تحقیقاتی
- ایسپا (مرکز افکار سنجی دانشجویان) (۱۳۸۴) بررسی نگرش شهروندان چند شهر کشور پیرامون قانون و مسائل آن در جامعه، جهاد دانشگاهی، گزارش تحقیقاتی
- ایسپا (مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران) (۱۳۸۵) کندوکاو‌هایی در باورها و نگرش‌های جامعه ایرانی، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸) **آنومی یا آشفتگی اجتماعی**، پژوهشی در زمینه آنومی در شهر تهران، تهران، انتشارات سروش
- دواس، دی ای (۱۳۷۶) **پیمایش در تحقیقات اجتماعی**، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی، چاپ اول
- سزایی، حسن (۱۳۷۲) **مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق**، تهران، انتشارات سمت
- جلائی پور، حمیدرضا (۱۳۸۵) **فروپاشی یا آشفتگی اجتماعی در ایران ۱۳۷۶-۱۳۸۴**، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۳
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۵) **بررسی آگاهیها، نگرشها و رفتار اجتماعی فرهنگی در ایران**، معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- کلاتری، خلیل (۱۳۸۸) **مدل سازی معادلات ساختاری در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی**، تهران، نشر فرهنگ صبا
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳) **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی
- نظرسنجی از مردم تهران درباره رعایت قانون (۱۳۷۳) **مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران**.
- نظرسنجی از مردم تهران درباره چگونگی رعایت قانون (۱۳۷۴ الف) **مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران**
- نظرسنجی از مردم تهران درباره چگونگی رعایت قانون (۱۳۷۴ ب) **مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران**
- نظرسنجی از مردم تهران درباره میزان قانون پذیری و چگونگی رعایت قانون (۱۳۷۷) **مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران**

- Schafer, Stephen (1969) **Theories of criminology**, American book, Stratford press, New York
- Thibaut, J. & Walker, L (1975) **Procedural justice**, Mahwah, N. J: Erlbaum
- Tyler, Tom. R & R. M. Kramer (1996) **Trust in organization**. (Eds). Thousand Oaks. CA: Sage
- Tyler, Tom. R (1997) the psychology of legitimacy: a rational perspective on voluntary deference to authorities. **Personality and social psychology review**. I. 323-345
- Tyler, Tom. R (1988) **the social psychology of procedural justice**. Springer. Usa
- Tyler, Tom. R. Boeckmann, R. j. , Smith. H. j & Huo, Y. j (1997) **social justice in a diverse society**. Boulder Colorado: Wes view
- Tyler, Tom. R (1998) Public mistrust of the law. University of Cincinnati. **Law review**, 60. 847-876
- Tyler, Tom. R. Blader, S. (2000) **Cooperation in groups**. Philadelphia: psychology press
- Tyler, Tom. R & John. M. Darley (2000) Building a law- abiding society: taking public views about morality and the legitimacy of legal authority into account when formulating substantive law, **Hofstrat law Review**, vol, 28,pp: 707-739
- Tyler, Tom. R (2003) **Procedural justice, Legitimacy and the effectiveness of law**. Crime and justice. 30: 431-505
- Tyler, Tom. R & Jeffrey faggan (2008) legitimacy and cooperation: why do people help the police fight crime in their communities? **Ohio state journal of criminal law**,vol. 6
- Tyler, Tom (2008) procedural justice and the courts, **Court Review**, volume 44. 26-31
- Tyler, Tom. R (2006) **why people obey the law**, Princeton university press
- Tyler, Tom. R & E. Allan Lind (2002) procedural justice, in Handbook of justice, Research in law, edited by Joseph sanders and v. lee Hamilton. Kluwer academic publisher, new york. 65-92
- Tyler, T. R. , & Huo, Y. J (2000) **Trust and the rule of law**. New York: Russell sage foundation
- Tyler, Tom. R (2001) Trust and law- abidingness: a proactive model of social regulation, The Australian national university, **research school of social science**, working paper,no. 16
- Tyler, T. R. , & Huo, Y. J. (2002) Trust in the law: encouraging public cooperation with the police and the courts. New York: Russell sage foundation.